

۱۲) گاه‌شماری در ادب فارسی

مهمترین نکته‌ای که در بررسی راه یافتن ویژگیها و ارکان گاه‌شماری در ادب فارسی باید مورد توجه قرار گیرد، تفاوت آنها با دانسته‌های احکام نجومی است. بسیاری از ارکان، مقتضیات و آگاهیهای مربوط به گاه‌شماری که در ادب فارسی ظهور یافته، به نوعی، بیان‌کننده موقعیت یا موضوع احکام نجومی و رساننده معنایی فراتر از مفاهیم خاص گاه‌شماری بوده‌اند. بدیهی است تفسیر یا تأویل این موارد باید در درجه نخست در حوزه احکام نجوم صورت پذیرد (نک: احکام نجوم). بجز این، سایر آگاهیهایی که درباره گاه‌شماری در ادب فارسی آمده، عموماً کلیاتی درباره نام انواع گاه‌شماریها و بعضی ارکان آنها، چون نام ماهها و روزها، بعضی اعیاد و موقعیتهای ویژه و پاره‌ای اصطلاحات خاص چون کبیسه، اشاره به هفته و روزهای آن، صورتهای فلکی منطقه البروج و مانند اینهاست. آگاهیهای صرف گاه‌شماری، بویژه ذکر تاریخهای واحد در گاه‌شماریهای گوناگون، مانند ابیات انوری (ج ۱، ص ۳۵۲، بیت‌های ۱ و ۲) که در آنها اطلاعات تاریخی در سه گاه‌شماری مختلف در کنار هم آمده است، بندرت در شعر فارسی مجال ظهور یافته‌اند. انوری (همانجا) تاریخ واحدی را در سه گاه‌شماری هجری قمری، سلوکی و یزدگردی ذکر نموده است و بر خلاف نظر فراهانی (شارح دیوان انوری؛ ص ۱۷۴-۱۷۵) و مدرس رضوی (مصحح این دیوان؛ انوری، ج ۲، توضیحات، ص ۱۱۰۳)، تبدیل تاریخهایی که انوری در دو بیت ذکر کرده، صحت آنها را تأیید می‌نماید و تنها بیت سوم این قصیده زائد به نظر می‌آید.

واژه تقویم در ادب فارسی عموماً به معنای گاهنامه یا دفتر تقویم به کار رفته است (نک: انوری، ج ۱، ص ۳۵۲، بیت ۱) و گاه «تقویم کهن» به هر چیز فرسوده و کهنه که دیگر کاربرد ندارد، اطلاق شده است (مثلاً خاقانی، ص ۳۸۱، بیت ۱۷؛ سیف فرغانی، ج ۱، ص ۱۲، بیت ۲؛ صائب، ج ۲، ص ۵۶۶، بیت ۱۰). همچنین، کاربرد تقویم در معنای بهترین زمان یا بهترین اعتدال، تلمیحی است به آیه چهارم سوره تین (نک: ناصر خسرو، ۱۳۶۵ش، قصیده ۱۰۹، بیت ۲۰؛ مولوی، ج ۳، ص ۸۹، بیت ۷). در موارد متعدد، شعرا بعضی ارکان گاه‌شماریها یا بعضی عوامل مربوط به گاه‌شماریها را فهرست‌وار برشمرده‌اند؛ از جمله، مسعود سعد سلمان در چند قصیده نامهای فارسی میانه ماههای سال را در گاه‌شماری یزدگردی (نک: ص ۶۵۴-۶۵۸)، نام روزهای ماه را در همین گاه‌شماری (نک: ص ۶۵۹-۶۶۷)، و نام روزهای هفته و ارتباط آنها را با هر یک از اجرام آسمانی (نک: ص ۶۶۸-۶۶۹) برشمرده است. نظامی نیز فهرستی از نامهای صورتهای فلکی منطقه البروج (نک: ج ۱، مخزن الاسرار، ص ۱۵-۱۶)، منازل ماه (نک: ج ۱، لیلی و مجنون، ص ۱۷۳-۱۷۶) و روزهای هفته (نک: ج ۲، هفت پیکر، ص ۱۴۶، ۱۸۲، ۱۹۷، ۲۱۴، ۲۳۵، ۲۶۷، ۲۹۲) فراهم آورده است با این توضیح که نظامی، برابر سنت «هفته‌شماری» در اسلام، هفته را از شنبه، و مسعود سعد سلمان (ص ۶۶۸-۶۶۹) آن را از یکشنبه، برابر سنتی کهن و غیراسلامی، آغاز کرده است. امیر خسرو دهلوی (ص ۷۷-۷۸) نیز نام روزهای هفته را بر شمرده و همانند نظامی، آن را از شنبه آغاز نموده است (برای آگاهی بیشتر درباره کاربرد هفته در شعر نظامی و ارتباط این نامها با اجرام آسمانی نک: قریب، ۱۳۷۶ ش، ص

۱۱-۲۰). به نام ماههای سال در گاه‌شماری هجری قمری (نک: انوری، ج ۱، ص ۴۹، بیت ۱) و یزدگردی (نک: ناصر خسرو، ۱۳۶۵ ش، قصیده ۱۳۳، بیت ۱۱) و نام ماههای سلوکی، مثلاً آب (نک: خاقانی، ص ۴۹، بیت ۲)، کانون (نک: فرخی سیستانی، ص ۲۵۸، بیت ۸) و حزیران (نک: منوچهری، ص ۱۳۷، بیت ۹) اشاراتی وجود دارد. تطبیق تقریبی موقعیت ماهها در گاه‌شماری سلوکی با موقعیت فصول، باعث رواج صورتهای ادبی - شعری این ماهها در ادب فارسی شده است؛ از جمله، ارتباط گرما با تموز و اشاره به گرمای طاقت‌فرسا در این ماه (نک: ناصر خسرو، ۱۳۶۵ ش، قصیده ۱۶۵، بیت ۲۷؛ انوری، ج ۱، ص ۵۴۵، بیت ۶؛ نظامی، ج ۱، لیلی و مجنون، ص ۲۴۹، بیت ۱۰) و نیز قرار گرفتن ماه آذار در فصل پاییز و شدت ریزش باران (مثلاً فرخی سیستانی، ص ۱۵۷، بیت ۱۷، ص ۱۶۱، بیت ۱۹). بجز استفاده از نام ماهها، به بعضی موقعیتهای نجومی / گاه‌شماری نیز اشاره شده است؛ از جمله، ورود خورشید به برج حمل که زمان برابر شدن طول روز و شب (اعتدال بهاری) است (نک: ناصر خسرو، ۱۳۶۵ ش، قصیده ۱۸۴، بیت ۱۳؛ خاقانی، ص ۱۹۱، بیت ۱۴) و مقایسه آن با ورود خورشید به برج میزان در فصل پاییز و برابر شدن دوباره طول روز و شب (اعتدال پاییزی؛ نک: ناصر خسرو، ۱۳۶۵ ش، قصیده ۲۲۴، بیت ۱۸؛ امیر معزی، ص ۲۱۴، بیت ۲۳)، پنج روز اندرگاه در گاه‌شماری یزدگردی که موقعیتهای بی‌هویت و نامعلوم به آن تشبیه شده است (نک: خاقانی، ص ۵۱۱، بیت‌های ۱۳ و ۱۴)، اشاره به جشنها و موقعیتهای خاص گاه‌شماری، مانند عید بهمنگان (بهمنجنه؛ نک: مختاری غزنوی، ص ۵۰۹، بیت ۱)، چند نمونه از اعیاد مسیحی (نک: خاقانی، ص ۲۸، بیت ۵)، جشن نوروز در فروردین ماه (نک: فرخی سیستانی، ص ۴۱۴، بیت ۶، ص ۴۱۵، بیت ۲) و روز ترویبه (روز هشتم ماه ذیحجه؛ نک: منوچهری، ص ۹۱، بیت ۳) و اشاره به اعمال کبیسه در سالها (نک: انوری، ج ۱، ص ۳، بیت ۱۱).

از میان انواع گاه‌شماریهای رایج در ایران، چندین بار به گاه‌شماری جلالی اشاره شده است، از جمله در این بیت حافظ (ج ۱، ص ۹۲۴، بیت ۸): زخطت صد جمال دیگر افزود / که عمرت باد صد سال جلالی (و نیز این بیت منسوب به حافظ (ج ۱، ص ۹۰۷) با نسخه بدلهایی که خانلری ذکر کرده: می اندر مجلس آصف به نوروز جلالی نوش / که بخشد جرعه جامت جهان را ساز نوروزی). سعدی نیز (ص ۷۴۴، بیت ۱۳) از این گاه‌شماری یاد کرده است: هزار سال جلالی بقای عمر تو باد / شهویر آن همه اردیبهشت و فروردین (نیز نک: همان، ص ۳۲). در میان دیگر انواع گاه‌شماریها اشارات بسیار محدودی نیز به گاه‌شماری دوازده‌حیوانی وجود دارد؛ از جمله، ابونصر فراهی، در منظومه تعلیمی نصاب‌الصبيان (ص ۵۸، ۷۷) نامهای دوره سالهای دوازده‌حیوانی را به ترکی و فارسی برشمرده است.